

## یک تودیع و ...

در تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۸۷ با یک نامبر مشخص شد جناب آقای دکتر محمد اعتمادی جایگزین حجت الاسلام دکتر اژه‌ای گردیده‌اند و در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۸۷ در یک گردهمایی سراسری کلیه مدیران مراکز به تهران دعوت شدند. بعد از ظهر همان روز مشخص شد مراسم تودیع رئیس سابق سمپاد هم برقرار است و چند نفری عجولانه چند لوح و هدیه تهیه کردند. مراسم با سه سخنرانی و یک نامه که سرکار خانم «سلامت» به نمایندگی مدیران شهرستانهای تهران قرائت کرد به انتها رسید. مشروح صحبت‌های ایراد شده در این «تودیع» را با هم می‌خوانیم.

استعدادهای درخشان

### سخنان آقای دکتر محمد اعتمادی



حسب الامر آقای دکتر علی احمدی، بنده چند کلمه‌ای مصدع می‌شوم. برای بنده افتخاری است که این توفیق به نام بنده رقم خورده باشد که بتوانم در جمع عزیزانی که در یکی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به آینده کشور تلاش‌های مؤثری دارند، عضو این تیم بشوم. مسئولیت بسیار سنگینی است که شایسته امثال آقای «دکتر اژه‌ای» بوده و من خیلی مقاومت کردم که هم آقای دکتر و هم بسیاری در سطح کشور هستند که بسیار بهتر از بنده شایستگی تداوم این امر را دارند و این مقاومت‌های بنده مثمر ثمر نشد. این مقاومت‌ها از این باب بود که دوست داشتم این مسئولیت روی دوش افراد شایسته این مسئولیت باشد. به هر حال آقای دکتر علی احمدی و مقامات بالاتر،

ولایتی امر فرمودند که به هر حال این مسئولیت پذیرفته بشود.

به هر صورت من این فرصت را در عین دشواری و بزرگی مسئولیت، فرصتی می‌دانم که بخشی از عمرم را در خدمت این مأموریت مهم باشم. اعتقاد عمیقی به این کار دارم و از این جهت می‌توانم عرض بکنم که آنچه که از توان و تجربه و دانش و همت و دیگر چیزها در خودم سراغ دارم در این راه صرف می‌کنم. گرچه ممکن است به هیچ وجه در حدی که قبلاً این اهتمام بوده است نرسد، ولی در حد بضاعت خودم انجام می‌دهم.

معتقدم که مأموریت اصلی را شما عزیزانی که در این جلسه هستید و همکارانی که با شما همکاری می‌کنند در کشور انجام می‌دهید. اصل کار به دست شما عزیزان و همکارانتان است. اگر نتایج بسیار خوبی حاصل شده در درجه اول آن معلمی که در سر کلاس با عشق و علاقه علم و تجربه‌اش را با ظرافت معلمی خودش منتقل می‌کند، آن عشق و علاقه و دانش، منش اصلی این عمل است. ما هم در سطح ستادی و مدیریتی هرگونه تلاشی لازم باشد در انتقال نیازهای شما به وزارت خانه و استفاده از ظرفیت‌های وزارت خانه کوتاهی نمی‌کنیم.

الحمدلله با صحبت‌هایی که در وزارت خانه داشتم با آقای دکتر علی احمدی، نگاه ایشان نگاه تنوع بخشی به آموزش و پرورش است؛ نگاه یکسان سازی نیست. من همین چند روز پیش از یکی از مدیران سؤال می‌کردم که ما چند نوع مدارس خاص داریم، می‌گفتند ۱۰ نوع! من تعجب کردم که چه طور اما گفتند خوب بشمار. یکی یکی شمرد و خلاصه رسید به ۱۰ تا. و دیدم که تازه آقای دکتر علی احمدی از من خواسته‌اند که مدارس خاص جدیدی هم در این سیستم با مأموریت‌های جدیدی ایجاد بکنیم. یعنی نگاه، نگاه یکسان سازی نیست، نگاه تنوع بخشی و تکثر است. از جهت این که ما استعدادهایمان متنوعند نیازهای کشورهای متنوع است، ظرفیت‌ها متعدد و متنوع است و ما با هر ظرفیتی و برای هر استعدادی باید ظرفیتی متناسب آن فراهم کنیم. بخشی از این مأموریت هم به اینجا محول شده. در خود آموزش و پرورش هم سعی بر این تنوع بخشی است. این نگاه، نگاه درستی است و من یادم هست که از برنامه پنج ساله سوم این توصیه‌ها در برنامه‌های راهبردی کشور در حوزه آموزش و پرورش بوده و از این جهت فکر می‌کنم که ظرفیت‌های آموزش و پرورش برای کمک به مأموریت ما و مأموریت‌های جدید، بالا باشد.

همه ما استمداد می‌طلبیم از مجموعه آموزش و پرورش که با مدیریت خوب آقای دکتر علی احمدی و نگاه راهبردی‌شان و همچنین همکاران خوبی که دارند، بتوانند بیش از پیش این مجموعه را کمک کنند. آقای دکتر! پیام امروز که از دوستان دریافت کردم و از دوستانی که در

جلسات گذشته بودند، این است که ما در انجام مأموریت مان به اندازه‌ای که استعداد کشور هست و می‌توانسته پیش برود، در یک مقاطعی، به خصوص بعد از تجمیع، افتی داشته‌ایم که امیدواریم با ظرفیت‌های جدید برطرف بشود. من خودم خیلی به تمرکزگرایی اعتقاد ندارم. تمرکززدایی خوب است، اما این تمرکززدایی باید با آن‌چنان درایتی انجام بشود که مأموریت بهتر از قبل انجام بشود، نه ضعیف‌تر. الآن هم اطلاعی که دوستان دادند این است که برخی از جاها که اهتمام استان یا آموزش و پرورش یا منطقه و نگاه آنها با نگاه وزارت خانه هماهنگ است کمتر مشکل داریم. در حالی که بعضی جاها این نگاه ضعیف شده است یا بعضاً معکوس هم هست. آن جاها ما مشکل داریم. در هر صورت این تقاضای کمک را داریم که در سطح وزارت خانه انجام بشود. البته من راه کارهایی هم به نظر می‌رسد. این جلسه را امروز گذاشتم که بینم چه قدر دوستان می‌توانند کمک بکنند و ما راه کارهایی را پیشنهاد بکنیم برای تقویت این حرکت و برای جهت‌گیری‌هایی که هم من مورد نظر هست و امروز خدمت دوستان عرض کردم هم جناب عالی در جلسه‌ای که خصوصی در خدمت شما بودم تأکید داشتید آنها را ان‌شاءالله محقق بکنیم.

بعد به عنوان یک شهروند که فرزندان دارم و اقوامم فرزندان دارند و از هر کسی که زحمتی می‌کشد در حوزه آموزش و تعالی عزیزان ما برای آینده‌شان، تشکر می‌کنیم، از آقای دکتر اژه‌ای تشکر می‌کنم. به عنوان یک دانشگاهی که محصولات نظام آموزش و پرورش بعد از پایان تحصیلات‌شان می‌آیند به دانشگاه و برای بنده که در عرض این سال‌ها از سال ۶۵ تا کنون فارغ‌التحصیلان خوب مجموعه آموزش و پرورش می‌آیند آن‌جا و لذت می‌بریم از این کار خوبی که روی این استعدادها شده است. به آن عنوان، هم تشکر می‌کنم. و تأسف می‌خورم که فردی مثل من جانشین فردی مثل آقای اژه‌ای می‌شود. و امیدوارم که بتوانیم از تجربیات ایشان در این مدت و عشق و اهتمامشان و تدابیری که داشته‌اند و ارتباطاتی که دارند و کمک‌هایی که می‌توانند بکنند، کماکان ما استفاده بکنیم.

از آقای دکتر علی‌احمدی هم تشکر می‌کنم که حسن نظر نسبت به بنده داشتند و بنده را شایسته این مسئولیت دانستند. از این حسن نظرشان و همکارانی که حسن نظر دارند و این انتخاب، احتمالاً با مشورت دوستان انجام شده، تشکر می‌کنم. به خصوص که بیش از حدی که معمولاً برای انتخاب مسؤل یک مدیر ارشد زحمت می‌کشد و تلاش می‌کند، بیش از این اذیت شدند و زحمت برایشان فراهم شد. در هر صورت تشکر می‌کنم.

از خداوند متعال برای همه شما عزیزان و برای آقای دکتر اژه‌ای و برای مجموعه آموزش و

پرورش و مدیریت آن که در رأسش آقای دکتر علی احمدی هستند، آرزوی توفیق و امدادهای الهی، چه در جهت الهام به راه‌های صحیح و درست و خداپسند، و چه در پیش‌گرفتن راه‌های صحیح و چه در قوت و انرژی به همه ما، و چه در برکت دادن به نتایج کارهای ما از خداوند متعال مسئلت دارم. چون برای این جلسات خیلی تدارک و پیش‌بینی نمی‌کنم اگر قصوری در عرایضم بود، ان‌شاءالله هم شما عزیزان ببخشید و هم خداوند متعال.

### سخنان آقای دکتر جواد اژه‌ای



رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُفْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي. در این ۲۲ سال اولین بار است که این عبارت را برای همسن‌های سمپادی مثل خودم، که اینجا هستند می‌خوانم. پیروزی رزمندگان مقاومت فلسطین را که همراه با جراحات قلبی ماست، به همه شما و به پیشگاه آقا امام زمان (عج) و رهبر معظم انقلاب، تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم آن ۳۳ روزی که به ۲۲ روز کشید، دفعه بعد به ۱۱ روز و بعد به نابودی این سرطان منطقه منتهی بشود. برای شادی روح شهدای غزه رَحِمَ اللَّهُ مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ مَعَ الصَّلَوَات.

در «روانشناسی اجتماعی» یک بحثی است که از گرداندن همه دولت‌های دنیا گرفته، تا مدیریت یک خانه، این بحث را به یکی از این دو شکل عمل می‌کنند و مریدان خاص خودشان را هم دارند. بحثی در روانشناسی اجتماعی وجود دارد به اسم «دام‌های اجتماعی» (Social traps) و «حصارهای اجتماعی» (Social Fences). تقریباً در سیستم جهان کسانی نجات پیدا می‌کنند که دچار «دام‌های اجتماعی» نشوند.

«دام اجتماعی» چیست؟ این است که تو پیرامونت را و پیروانت را در کوتاه مدت خوشحال کنی؛ رئیس جمهوری، وزیری، رئیس مدرسه‌ای، مدیر خانه‌ای، عرض کردم در همه سطوح. این «دام اجتماعی» وجود دارد. زودبازده هم هست؛ همه برای آدم صلوات می‌فرستند یا اگر در خارج باشد هورا می‌کشند، یا اگر روشن فکر باشند، سوت می‌زنند. ولی این «دام اجتماعی» است، و نابودکننده همه منافع درازمدت. این که شما می‌گویید چشم‌انداز سال هزار و چهارصد و چهار، کسی که در برنامه اول، دوم تا پنجم و... برنامه‌ریزی می‌کند، او در «حصار» حرکت می‌کند، و آنچه بنیانش را خراب می‌کند «دام اجتماعی» است. در مدرسه هم همین‌طور می‌شود. در کارخانه هم می‌شود منابع کارخانه را همان روز میان کارگران تقسیم کرد. ولی ماه آینده که همه‌شان بی‌کار

شدند، می‌فهمند چه دامی بوده است.

بر اساس آمارهای سال ۱۳۶۲- همان موقعی که من مسئولیت بهزیستی را داشتم- و بعد در سال ۱۳۶۴ آن موقعی که معاون فرهنگی و اجتماعی نخست‌وزیر بودم، هیچ‌گونه راه کار روشنی با نوع اعتباراتی که برای آموزش و پرورش در نظر گرفته شده بود جهت بهبود عمیق کیفیت آن، چاره‌ساز نبود. اکنون که آقای دکتر علی‌احمدی در دولت هستند، دولت هم کاملاً موافق با ایشان است ولی به کل نیاز ایشان نمی‌تواند توجه کند. چون ظرف اعتباراتی، ظرفی است که هر وزیری طلب خودش را می‌کند. من این محدودیت امکانات ملی را در آن موقع پیش‌بینی می‌کردم و این را که ما حتی امکان از زیر صفر به نقطه صفر رساندن کل دانش آموزان کشورمان را نداریم. براساس نگاه به یک «حصار اجتماعی» و یک برنامه‌ریزی، آن کاری را که احساس می‌کردم شاید چهل سال دیگر به نتیجه برسد، در «سمپاد» شروع کردم. خوشبختانه در جمهوری اسلامی ایران در ظرف همین بیست و دو سه سال، با عشق و علاقه همه کسانی که عاشق راه امام هستند به بخش عمده‌ای از آن اهداف رسیدم. بنابراین ادامه راه «سمپاد» و ادامه هر موفقیتی در هر حوزه و در هر برنامه، این است که دچار «دام‌های اجتماعی» نشویم. مدیران من در این مدت هیچ خیر مالی از من ندیدند، جز این که زنگ بزنم و بگویم فلان کار را خلاف کردی، فلان کار را چه کار کردی. ستاد مرکزی سمپاد هم لاغرترین ستاد مرکزی ایران از نظر تعداد نیروی انسانی در قبل و بعد از انقلاب بود! لاغرترین، به خاطر این که من برخلاف تمام شعارهایی که از زمان آقای پرورش و آقای اکرمی تا کنون داده شده و عمل نشده، مدرسه را «محور» و کانون تپنده آموزش و پرورش می‌دانستم و مدیرم بر مدرسه «ریاست» می‌کرد. البته از سال ۱۳۸۰، دیگر این ریاست «نیمه‌جان» شد. دیگر گاهی اوقات تا سرایدار مدرسه را هم نماینده‌ای یا مسئول ناحیه‌ای فرمایش می‌فرمودند که عوض بشود. در صحبت‌ها هم اشاره شد.

من در اینجا یک مشکل هم داشتم. من در کنار آقای بهشتی بزرگ شده بودم. برنامه‌ریزی و فکر کردن و کم حرف زدن را از ایشان یاد گرفته بودم و به اندازه یک طلبه ساده و کم‌توان در یادگیری، همان مقداری که عمل کردم، بازده داشت. این فرق می‌کند تا این که ما هزار کار نکرده را بگویم یا هزار طرح تمام نشده را افتتاح کنیم. من دارم مدت این سی سال را می‌گویم. دوستان، ذهنشان برای امروز و فردا و دیروز نباشد. به همین دلیل کارهایی هم که می‌کنیم در مواردی مردم قبول نمی‌کنند. بیش از بیست و دو سال است در «سمپاد» همه جان‌کننده‌اند، ولی همه عزیز بوده‌اند.

در آموزش و پرورش، «سمپاد» جزویکی از سه بخشی است که به حق مورد توجه بین‌الملل و

جهانی بوده است. منتها ما در سمپاد خودمان، با پای خودمان می رفتیم و دو بخش دیگر هم یکی «نهضت سوادآموزی» بوده است که مورد تقدیر جهانی قرار گرفته است و یکی هم «کانون پرورش فکری کودکان». ما هم به هر حال بچه‌های گلی داشته‌ایم و این بچه‌های گل، آبرو برایمان و کشورمان آفریدند.

من یک تعبیری همیشه داشته‌ام که در دو محور مطرح کرده‌ام. یکی این که اگر شخصی تعدادی «قناری» داشته باشد، برایش هزینه دارد. البته او می‌تواند مرغ‌داری هم داشته باشد، یک مرغ‌داری خیلی بزرگ و وسیع و گوشتی! متهم هم نشود.

وقتی در مجلس از سمپادها دفاع می‌کردم، یکی از خانم‌های نماینده آمدند خیلی آهسته به من فرمودند: «شما با احیای سمپاد در خدمت آمریکا هستید». گفتم شما با این چیزها حال ما را نمی‌توانید بگیرید. ما به این باور رسیده‌ایم که طرحی ملی برای شناسایی استعدادهایمان داشته باشیم. لذا آزمون‌هایی را که خودم متخصص هستم در همان دو سال اول از برنامه‌گزینش حذف کردم و با فکر و استعداد جوان، گزینش سمپاد را ادامه دادیم. ستاد سمپاد پنجاه شصت نفر بیشتر نیست. ولی تا امروز بیش از دویست نفر نیروی درجه یک کشور مدرسان ما بوده‌اند. از برگزاری مسابقات قرآن که در همه ابعاد اجرا، خودکفا بودیم تا بررسی کارشناسانه پژوهش‌ها و طراحی سؤالات کنکور.

به هر حال در این بیست و دو سال، همه «کمبودها» مربوط به ناتوانی من است و همه «موفقیت‌ها» به خاطر تلاش عزیزانی است که شرم دارم به خاطر تحمل سختی‌ها از آنها تشکر ساده‌ای بکنم. به خاطر آن‌که چیزی به آنها جز «اضافه کار کردن» - نه اضافه کاری - ندادم. البته اگر کسی بیاید اینجا، تعجب می‌کند که تو هشتاد ساعت در این اتاقک دفتر کارت در هفته چه کار می‌کردی. من با همه دانش آموزان با همه اولیا، با همه مدیران ارتباط مستمر داشتم. با تشکرها، فحش‌ها و خوب و بدشان. نامه‌هایشان را تا ساعت ده شب اگر طول می‌کشید، می‌خواندم. اگر تلفنی داشتند همان موقع شب به خانه‌شان زنگ می‌زدم و سعی می‌کردم مشکلشان را حل کنم. در ضمن، از همه آنها که در طول این بیست و دو سال، چه آگاهانه، چه بر اساس عادت، چه بر اساس بی‌اطلاعی، از هر گونه تهمت و افتزایی نسبت به من خودداری نکردند (چون ما سه نوع تهمت می‌زنیم: یک نوع آگاهانه، یک نوع از روی عادت و یک نوع از روی بی‌اطلاعی)، از همه آنها در می‌گذرم. آنها هم که بعد از این به این تهمت‌ها ادامه می‌دهند، از آنها هم از حالا می‌گذرم. کوچک‌تر که بودم هر وقت زورم به کسی نمی‌رسید می‌گفتم آن دنیا یقه‌ات را می‌گیرم. حالا فکر می‌کنم اصلاً این فکر هم نمی‌ارزد که یقه‌ای بگیرم. یقه‌ای وجود ندارد، اصلاً چیزی نیست.

من از صحبت‌های آقای دکتر اعتمادی، خوشحال شدم. خبرهای اولیه نگران‌کننده بود. الحمدلله ایشان در این مدت کم، سمپادی شدند! قبول دارید آقای دکتر علی‌احمدی؟ [دکتر علی‌احمدی: بله بله. این‌ها همه را به کیش خویش فرامی‌خوانند!]

من تنها مدیری در جمهوری اسلامی ایران هستم که چیزی را بر اساس قانون اداره نکرده‌ام، بلکه رفته‌ام برایش قانون تهیه کرده‌ام و حالا از سوی حضرات سازمان بازرسی بازخواست می‌شوم که چرا قانونت را خوب اجرا نکردی. من نگران این شجره طیه‌ای که رهبری و آقای مهندس موسوی بانی‌اش هستند، هستم. آقای مهندس موسوی بانی مقدماتی‌اش هستند، ولی کار اصلی را در دفاع از سمپاد، در مقابل وزیر آموزش و پرورش وقت و آقای دکتر شریعتمداری (عضو شورا) و همه اینها در شورای عالی انقلاب فرهنگی، خود رهبری انجام دادند.

در سال ۱۳۸۰، با این که بعد از تجمیع، خیلی از همکارانی که اینجا حضور دارند، آمدند گفتند که برنامه‌هایی اجرا کنیم، تظاهرات کنیم بر علیه تجمیع، گفتم من اجرای قانون را در همه جا می‌بینم.

کار در سمپاد و بازده آن مثل «زعفران» است، محصولی که دست‌رنج کشاورز است. البته گندم هم دست‌رنج کشاورز است. ولی زعفران کار هیچ وقت طاغوتی نیست. ما زعفران داریم، از طرفی هیچ‌کس زعفران را زیر پلو نمی‌ریزد. اگر بریزد می‌گویند دیوانه است! این کار را یک بار در مهمانی بکنید. بگویید خانم خانه گفته است این زعفران را زیر پلو بریزیم.

[دکتر علی‌احمدی: این کارها را معمولاً خانم‌های خانه می‌کنند!]

بله این کارها را معمولاً خانم‌های خانه می‌کنند. چون آقایان مثل من و شما فقط می‌خوریم! از بیست و دو سال قبل تا آخرین صحبتی که یک ماه قبل پس از بازگشت، وزیر محترم از سوئیس در مورد تیزهوشان نمودند، یک نکته را مرتب به من گفته‌اند که در غرب، مدرسه استعداد‌های درخشان نیست. بعد از آخرین صحبت آقای وزیر، تصادفی به تحقیقی برخورددم که سال ۲۰۰۵ به سفارش «وزارت فدرال آموزش و تحقیقات آلمان» در مورد تعلیم و تربیت تیزهوشان در ۲۱ کشور اروپایی صورت گرفته بود، تا فعالیت‌های استعداد‌های درخشان‌شان را در این ۲۱ کشور بررسی کنند (که یک قسمت آن در شماره ۶۷ فصل‌نامه استعداد‌های درخشان آمده است). براساس گزارش این تحقیق بعد از تشکیل اتحادیه اروپا، در کشور فنلاند هیچ چیزی برای تیزهوشان اضافه نشده است. چون سرانۀ این کشور در بخش آموزش عمومی آن‌قدر بالاست، و امکان‌گزینه‌های مختلف آن‌قدر زیاد است که احتیاج به اضافه شدن ندارد. این در حالی است که در اینجا باید عزا بگیرید که دو ساعت می‌خواهید کلاس فوق‌العاده بگذارید،

تأمین هزینه‌اش را از کجا بیاورید. در اروپا آموزش حتی در مدارس حاشیه‌ای شهر، در مدرسه شروع می‌شود و در مدرسه تمام می‌شود. نه مثل اینجا که ساعت یازده شب یکی ترازو بسازد و مسئله ریاضی حل کند! ما تا آنجا خیلی فاصله داریم. این ربطی نه به آقای علی احمدی دارد نه به وزرای قبلی. کمبودها بسیار بالاست. سی - چهل هزار نفر را بدون هیچ‌گونه نظارتی از سوی این وزارت‌خانه و بدون هیچ آزمونی، به جای سی هزار دبیر بازنشسته برای تدریس به آموزش و پرورش تحمیل کردند. خوب این وزارت‌خانه چگونه می‌تواند رشد و تعالی بدهد. من یک فرهنگی‌ام و از سال ۴۶ به صورت حق‌التدریس معلم دبیرستان بوده‌ام. من ۴۱ سال است با آموزش و پرورش مأنوسم. غم و غصه‌هایش، غم و غصه‌های من هم هست. من که نمی‌توانم این غصه‌ها را بنیسم. ولی می‌دانم کاری نمی‌شود کرد. یا باید در «دام‌های اجتماعی» افتاد، یا اگر هم بخواهی برنامه‌ریزی کنی باید بروی داخل «حصارها».

ما اگر بتوانیم به حداقل نیاز دانش‌آموزان کل کشور برسیم، آن وقت مدارس سمپاد و همین‌طور جداسازی کاری «زاید» است. ولی شما بروید کیفیت آموزش اتریش را ببینید. کیفیت آموزش سوئیس را ببینید. من اتریش و آلمان را تجربه کرده‌ام، انگلستان را هم می‌دانم. بروید ببینید کف امکاناتش را و اینکه در آموزش و پرورش آلمان، یک معلم، ده سال آزمایشی است تا بتواند استخدام بشود. نه این‌که یک‌شبه سی هزار تا بیایند داخل! این که نمی‌شود تعالی در آموزش و پرورش. مگر این وزارت‌خانه کمیته امداد است؟ پس تکلیف بچه‌ها چه می‌شود؟

در مورد کنکور سمپاد هم من نگرانی‌ام این است که جشن بساز و بفروش‌های بیرون که میلیاردها تومان درآمد دارند و ما سفت و سخت در مقابل دوپینگ‌هایشان ایستاده بودیم، دو مرتبه برپا شود. همه این‌هایی که می‌رفتند وزارت‌خانه و یا اینجا می‌آمدند و فحش می‌دادند، اینها همه همان‌هایی هستند که مال‌باخته بودند و واقعاً دوگانه‌سوز شده بودند! یعنی هم پول داده بودند، و هم نتوانسته بودند به زور قبول شوند!

امیدوارم که این راه استمرار پیدا کند. در طول این مدت با تمام فشارهایی که به ما آمد یک نفر نتوانست بگوید این دانش‌آموز با پارتی آمده است. البته چرا، در روزنامه قدس و خراسان و روزنامه‌های مرکز، می‌نوشتند که پول گرفته‌اند و فلانی را که ما آدرس او را داریم پذیرفته‌اند! زنگ زدیم به آن روزنامه و گفتیم خوب بگویید این آقا یا خانم بیاید، دادگاه که هست، بیا ما را محاکمه کن!

به‌رحال ما ماندیم. من خدا را شکر می‌کنم که از فشار نمایندگان مجلس راحت شدم! وزیر و



همکارانشان به هر حال زیر آن فشارها هستند. ولی من اگر در چند استان تا ۱۰ سال دیگر هم سر کار بودم و آنها هم نماینده بودند، جواب درخواست‌های بی‌ربطشان را نمی‌دادم؛ نه در توسعه مراکز و نه در قبولی دانش‌آموز. از این بابت از صمیم قلب خدا را شاکرم!

در هر صورت ما ترسمان همین است. ما در بین این دوپینگی‌ها که قبول هم نشده بودند، والدین وکیل و استاد دانشگاه داشتیم (که اصلاً چیزی از دانشگاه نمی‌فهمید!)، بساز و بفروش داشتیم، پزشک داشتیم. همه‌شان هم فحش می‌دادند، در ضمن می‌گفتند هر کاری بخواهید برایتان می‌کنیم، فقط بچه‌هایمان را بپذیرید.

تا جایی که یک نفر این قدر ابله باشد که مصاحبه کند و بگوید من می‌روم سازمان ملل به خاطر رد شدن فرزندم در کنکور سمپاد به دبیر کل شکایت می‌کنم (!) از موارد عجیب و خنده‌دار است.

سال ۶۶ با «علامه حلی» در همدان و کرمان توسعه را شروع کردیم و امسال با «میرزا کوچک‌خان» در لاهیجان کامل کردیم؛ مردی که بیش از هر کس دوستش می‌دارم. میرزا طلبه‌ای که مظلوم طلبه بودنش بود و اولین هدیه‌ای که برای رضاخان بردند، سر آن عزیز بود. من تشکر می‌کنم از همکاران ستادی‌ام به خصوص به خاطر فحش‌های پنج‌شش‌ماهه‌ی اخیر که از مراجعین خوردند، حتی بعضی‌ها ایشان کتک خوردند. به خاطر حمایتشان از چیزی که به آن باور داشتند. از همه‌کسانی که در «پذیرش و امتحانات» بودند و همه‌ی سؤالات را داشتند و برخلاف همه‌ی تهمت‌ها، بچه‌هایشان قبول نشدند و این سند افتخار سیستم‌گزینشی من است. از همه‌ی اینها تشکر می‌کنم.

از همه‌ی همکارانم می‌خواهم با تمام وجود و عشق برای سرزمینشان تلاش کنند. سرزمینی که دل‌خوشی امام به این مردم بود و دل‌خوشی رهبرمان به این مردم است. امیدوارم که همه‌ی شما تا وقتی که برکنارتان نکرده‌اند با «عشق»... (چرا می‌خندید! شما من را نگاه نکنید من حسابم جداست!) و با علاقه کار کنید. در این مدت اگر سرتان داد و قالی کردم عذرخواهی می‌کنم. امیدوارم که همه‌ی خطاهای من، تقصیرها، کسری‌ها و کمبودها همه‌ی اینها را خدا به من ببخشد.

من سرباز بی‌ادعای غیرجلوی دوربینی نظامم هستم. مراجعه ۲۷۰ هزار نفر برای رؤیت پیام خداحافظی‌ام بر روی سایت nodet نشان می‌دهد که لازم نیست آدم جلوی دوربین باشد. لازم نیست که تصویرش مرتب پخش بشود. بلکه لازم است کاری بکند که بندگان خوب خدا آن کار را دوست می‌دارند. من مهم‌تر از همه، خود خدا برایم مهم است. بندگان خدا هم خوششان آمد یا نیامد مهم نیست. والسلام علیکم ورحمت‌الله.

## سخنان آقای دکتر علیرضا علی احمدی



خداوند را شاگردم که امروز توفیق حاصل شد که محضر شما همکاران عزیز را درک بکنیم و درباره یکی از مهم ترین مسائل نظام تعلیم و تربیت خودمان مطالبی را داشته باشیم. در عین این که شاهد رفتن یکی از بزرگان و عزیزان و آمدن عزیز دیگری هستیم. بنده هم به نوبه خودم آرزوی قبولی طاعات و عبادات و عزاداری های یکایک شما خوبان را از خداوند مسئلت دارم. پیروزی مردم مظلوم غزه را تبریک عرض می کنم. ان شاء الله که هر چه زودتر و قبل از بیست و دوم بهمن ماه شاهد پیروزی کامل جبهه حق در برابر باطل باشیم و محاصره این مردم شکسته شود و رفع مظلومیت از آنان صورت بگیرد، رفع اشغال بشود، گذرگاهها باز بشود که مواد دارویی و غذا به مردم برسد و بتوانند به زندگی عادی خودشان برگردند، زمینه بازسازی غزه فراهم بشود و کسانی که هر مقطعی هوس می کنند یک جوری به کشتار مردم بی دفاع پردازند هم ان شاء الله به سزای اعمال ننگین خودشان برسند.

در ارتباط با بحث امروز و این جلسه، وظیفه خودم می دانم که از برادر بزرگ خودم دانشمند فرزانه حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر اژه ای تقدیر و تشکر بکنم. ایشان همچون پدر بزرگواری که فرزندی را بزرگ کرده باشند این افتخار را داشته اند که بیش از بیست سال این مجموعه را از هر جهت پایه گذاری بکنند و استعداد های برتری در این کشور به بار بنشیند و هم در گذشته و هم در آینده برای ساختن کشور و بلکه جهان مورد استفاده قرار گرفته باشد. برادری که با کمال تواضع و فروتنی در خدمت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بوده اند، در صراط مستقیم حرکت کرده اند، به جریان های سیاسی وقعی ننهادند و مستقیم حرکت کرده اند و توانستند این نهال را به درخت تنومندی تبدیل بکنند. گرچه رسم روزگار است که برای هر آمدنی، رفتنی در کار وجود دارد و امروز هم شاهد این هستیم که ایشان مسئولیت مدیریت این سازمان عظیم را به برادر بزرگ دیگرمان جناب آقای دکتر اعتمادی می سپارند. ولی امیدوارم که همیشه، هم وزارت آموزش و پرورش و هم اصحاب سمپاد و دانش آموزان و دانش آموزان ما بتوانند از وجود معنوی ایشان بهره مند بشوند. ما پیشنهاد خودمان برای جناب آقای اژه ای که این افتخارات را طی این بیست و چند سال آفریده اند، عضویت در هیئت امنای سمپاد است. خوب من باید پیشنهاد بدهم به مراجع ذی ربط که این کار را فراهم کرد ان شاء الله، اگر ایشان به من اجازه بدهند و هم به عنوان یک چهره ماندگار نظام تعلیم و تربیت ما ایشان را به

ستادی که بدین منظور تشکیل شده در آموزش و پرورش معرفی می‌کنیم و ان شاءالله در ایام دهه فجر که قرار است از چهره‌های ماندگار آموزش و پرورش تجلیل به عمل بیاید از شخصیت همه‌جانبه و معتدل جناب آقای دکتر اژه‌ای هم به پاس این همه خدمات، تجلیل لازم به نحو مقتضی به عمل بیاید. اگر این افتخار را هم به بنده بدهند که در خود ستاد آموزش و پرورش خدمتگزاری بکنیم برایشان و در محضرشان باشیم، باز موجب خوش حالی برای ما خواهد بود و افتخار.

در خصوص برادر بزرگ جناب آقای دکتر اعتمادی هم خوب این موضوع به چند ماه قبل برمی‌گردد. شاهدینی هم در این صحنه هستند که این نکاتی را که من می‌خواهم عرض بکنم را در جریان هستند. ما به دلیل تغییر رویکردی که در مجموعه آموزش و پرورش تعقیب می‌کردیم دنبال این بودیم که جابه‌جایی در مسئولیت‌ها هم داشته باشیم. خود آقای دکتر اژه‌ای هم با هوشیاری که دارند از چندین ماه قبل متوجه بودند که تصمیم‌گیری‌هایی در جریان است و حدود یک‌ماه و اندی قبل هم بود که یک جمله‌ای را آخر جلسه شورای معاونین ماکه در مرکز تربیت معلم نسبیته برگزار شده بود به خود من عرض کردند. و آقای اعتمادی هم که امروز ما هم به عنوان عضو هیئت امانا خدمتشان هستیم و هم به عنوان مدیر این مجموعه، چند ماه قبل قرار بود بیایند اینجا. منتها ما در تصمیم‌گیری‌هایمان یک خللی ایجاد شد و ایشان رفتند و یک مسئولیت دیگری در یک جای دیگری تقبل کردند و الآن هم تا یک مدت موقتی کبوتر دو آشیانه تشریف دارند. امیدواریم که هرچه زودتر مسئولیت دیگرشان را تحویل بدهند و بیایند به صورت تمام‌وقت در خدمت نسل جدید برترین‌های آموزش و پرورش باشند.

جهت این هم که در حکم آقای اعتمادی به عنوان سرپرست ایشان معرفی شده‌اند، همین است که آن کاری که قبلاً تقبل کرده‌اند باید از روی دوش ایشان برداشته بشود، بعد حکم مسئولیت را بتوانیم بزنیم. آقای دکتر اعتمادی جزو چهره‌های علمی و متدینی هستند که سالیان سال ریاست «دانشگاه صنعتی شریف» را عهده‌دار بوده‌اند و از همین حیث ما خواستیم که یک پیوندی هم بین دانش‌آموختگان این مجموعه و دانش‌آموختگان مقطع تحصیلی بالاتر یعنی دانشگاه‌ها برقرار بشود و خوب از ایشان خواهش شد و ایشان هم آمدند و تقبل زحمت کردند. البته ما در ارتباط با خود این مجموعه، از ایده‌های مختلف باید بهره‌گیری‌م و چشم‌انداز آینده را در راستای چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ به کمک خود شماها ترسیم بکنیم و راه‌بردها و برنامه‌های جدیدی که مورد نیاز است را با عنایات حق تعالی با عزم ملی و با همکاری و دلگرمی یکایک شما فرزانه‌گانی که ثابت‌قدم تا این مرحله این مجموعه را یاری کرده‌اید و ان شاءالله در آینده هم

یاری خواهید کرد، بتوانیم به ثمر برسانیم.

آن رویکردی که عرض کردم ما به دنبال تغییر رویکرد بودیم، یک سری از مختصاتش را عرض می‌کنم و ان شاء الله اگر فرصت بیشتری باشد ما خدمت شما خواهیم بود و می‌توانیم با ابعاد مختلفش هم با هم بحث داشته باشیم. خواهشی هم که دارم چه از هیئت امنای سازمان که تعدادیشان امروز در جلسه ما حاضر هستند و چه مدیریت مجموعه و چه همکاران عزیز مدیران والامقام ما، با افق ایران ۱۴۰۴ برنامه راهبردی سمپاد را با جهت‌گیری‌هایی که بعضی‌هایش را بنده عرض می‌کنم و بعضی‌هایش را هم خودتان بهتر واقف هستید، در گذشته هم به دنبالش بودید، ان شاء الله تدوین بکنید مورد توافق قرار بگیرد و به دنبال تحقق آنها باشیم.

یکی از رویکردهایی که مد نظر است این است که به هر حال جایگاه اول علمی فنی و اقتصادی در منطقه مستلزم یک آموزش و پرورش پیش‌رو و به‌روز است. آموزش و پرورش که در کلاس جهانی بتواند حرف برای گفتن داشته باشد و نیازهای بومی خودش را، مقتضیات فرهنگی و ارزشی خودش را هم در کمال اهتمام مد نظر داشته باشد. ما امروز در شرایطی قرار داریم که آموزش و پرورش ما در مجموع و تا حدی هم سمپاد ما، از بُعد به‌روز شدن و در سطح جهانی پرواز کردن و هم از جهت نهادینه کردن مباحث ارزشی و هم از جهت پاسخ‌گویی به نیازهای ملی و منطقه‌ای مان نیاز به یک بازمهندسی دارد، نیاز به تجدید برنامه دارد و این کار را باید تعقیب بکنیم. در این رویکرد جدید ما محورهایی را باید مد نظر قرار بدهیم که علاوه بر آن‌چه که تاکنون طراحی شده زحمت کشیده شده و به اجرا درآمده است. یکی از رویکردها رویکرد پرداختن به حوزه‌های جدید علوم و فناوری است. ما اگر در سطح دنیا می‌بینیم که الآن ارزش افزوده اصلی متعلق به یک تعدادی از حوزه‌های تخصصی است که دارند نقش آفرینی می‌کنند، حوزه‌هایی نظیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، هوا و فضا، مواد پیش‌رفته، سلول‌های بنیادی، هسته‌ای و امثالهم اینها، تعدادی از حوزه‌های برتری هستند که امروز اقتصاد دانش‌بنیان را این حوزه‌ها برایش تعیین‌کننده هستند. ما آموزش و پرورشمان در قبال این حوزه‌های تخصصی باید تکلیف خودش را روشن بکند که آیا وظیفه‌ای در قبال زمینه‌سازی برای ورود به این حوزه‌های تخصصی دارد یا ندارد؛ آیا ما در آموزش و پرورش خودمان نیاز به فرزندانی داریم که با الفبای این حوزه‌های علم و فناوری آشنا شده باشند که با سرعت بیشتری وقتی وارد آموزش عالی و بعداً مراکز تحقیقاتی می‌شوند بتوانند راه میان‌بری که مقام معظم رهبری اشاره فرموده‌اند را بیمایند. من معتقدم که آموزش و پرورش ما

در قبال این پدیده مهم که برای توسعه مبتنی بر علم و فناوری و در عین حال عدالت محور لازم است، نمی تواند بی تفاوت از کنار قضیه بگذرد. در بررسی اولیه چنین به نظر می رسد که استعداد های درخشان ما داوطلبان آماده تری می توانند برای ورود به چنین مجاهده ای و حوزه های علمی و تخصصی باشند. لذا پیش نهاد اولیه ما که شما بررسی می فرمایید و به جمع بندی می رسید ان شاء الله این است که ما در حوزه های علوم و فناوری باید رشته یا رشته هایی را تأسیس بکنیم که این قبیل استعداد های برترمان در این حوزه ها فعالیت های تعلیم و تربیتی خودشان را سپری بکنند تا راه میان بر را تسهیل بکنند. یکی دیگر از ابعاد که ما باید در این حوزه مد نظر قرار بدهیم و در گذشته هم به نوعی مد نظر بوده ولی اهتمام جدی تری را می خواهد، این است که ما ساحت های وجودی متریان خودمان را مد نظر قرار بدهیم و فقط به دنبال شکوفایی استعداد های علمی یا به بار نشستن ابعاد اخلاقی و تعهدی نباشیم. یک عنصر متعلم به اصطلاح استعداد برتر این مرز و بوم، زوایای وجودی متعددی دارد. در حوزه «هنر» در حوزه «ادبیات و شعر» در حوزه های «فنی و مهارتی» علاوه بر حوزه هایی که الآن وارد شده ایم و داریم کار می کنیم، به عنوان ریاضی و فیزیک، به عنوان علوم تجربی و امثالهم، به نظر می رسد که ما باید در این حوزه های جدید هم وارد کار بشویم و استعداد های برتری که در کشور وجود دارد را مورد حمایت و پشتیبانی قرار بدهیم و بتوانیم شکوفا بکنیم، به بار بنشانیم و امسال که در سال نوآوری و شکوفایی هستیم، ان شاء الله بتوانیم این زوایای کاری جدید را در متن برنامه های بلندمدت خودمان، آنی که مورد تأیید کارشناسان اهل فن قرار می گیرد قرار بدهیم.

یکی دیگر از کارهایی که باز خلأش در آموزش و پرورش ما وجود دارد و قابل بررسی است که آیا در حوزه سمپاد باید به آن پرداخته بشود یا در حوزه های دیگری در آموزش و پرورش باید به آن پرداخته بشود، این مبحثی است که من کلیتش را باز خدمت عزیزان خودم، نخبگان جامعه آموزش و پرورش خودمان، مطرح می کنم و استمداد می طلبم که ما را یاری بکنید. از دید حقیر، آموزش و پرورش ما مجموعه ای است از چنین مفاهیمی و به تبع این چنین فعالیت هایی که عرض می کنم، آموزش و پرورش ما مشتمل است بر تعلیم، ایجاد بصیرت، اراده پروری، مسئولیت پذیری، تربیت بدنی، بهداشت، پژوهش، خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی و مهارت آموزی. این حداقل ۱۲ حوزه مسئولیتی است که نظام تعلیم و تربیت ما و از جمله آموزش و پرورش ما باید در آنها فعالیت بکند و انواع سازوکارها و آموزش ها برای پاسخ گویی به این مفاهیمی که عرض کردم مد نظر قرار بگیرد. خوب ما در حوزه پژوهش، خلاقیت، نوآوری و

کارآفرینی چقدر از جامعه نخبگان دانش آموزیمان بیشتر می‌توانیم توقع داشته باشیم در مقایسه با طیف عمومی دانش آموزان خودمان؟ یک بررسی اولیه حاکی از این است که ما می‌توانیم از جامعه استعدادهای برتر و نخبگان دانش آموزی خودمان، انتظار و توقع بالاتری داشته باشیم که در این حوزه‌هایی که عرض کردم - حوزه پژوهش، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی - نقش آفرین باشد. مگر این‌که بر این باور باشید که اساساً دانش آموزان ما نباید در این حوزه‌ها حرفی برای گفتن داشته باشند. اگر ما بپذیریم که دانش آموزان باید در این حوزه‌ها در حد خودشان و با حفظ جایگاه دانش آموزی خودشان حرف برای گفتن داشته باشند و متاعی برای عرضه داشته باشند، بنابراین نهادی و مجموعه‌هایی باید این استعدادها را در حوزه‌های پژوهش، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی پشتیبانی بکنند. ما الآن خلاء داریم. بنده روزهای دوشنبه صبح که معمولاً ملاقات عمومی داریم، با افرادی که می‌آیند با هم صحبت می‌کنیم، خوب اوائل بیشتر هرچه گرفتاری داشتند همکاران به سمت ما می‌آمدند و من خیلی آزرده‌خاطر می‌شدم که افراد گرفتار را به ما معرفی می‌کنند. بعد تقسیم‌کار کردیم، از دوستانمان هم خواهش کردیم که این تیپ افراد را بفرستند سراغ قسمت رفاه و تعاون و حوزه پشتیبانی و افرادی که استعدادهای برتر هستند و طرح نو دارند ایده نو دارند را بفرستند به سراغ ما. هفته‌ای نیست که من به موردی برنخورم، به یک به اصطلاح دانش آموز با استعداد بالایی برنخورم که جایگاهی برای حمایت از آنها نداریم. اختراعی دارد، اکتشافی دارد، ایده‌ی برتری دارد و ما ساختارهای حامی برای او تعریف نکرده‌ایم. به نظرم می‌رسد که سازمان استعدادهای درخشان ما، به احتمال قوی می‌تواند در این زمینه هم تقبل‌مأموریت جدید و مسئولیت جدید بکند و به نظام تعلیم و تربیتمان در این حوزه کمک بکند. ما همچنین بحث استعدادهای برتر را در همین حد چهل هزار نفر یا پنجاه هزار نفر دانش آموزان داریم. خوب مسلم است که این ملت به این بزرگی با این استعدادهای برتری که حتماً از متوسط جهانی استعدادهای ایرانیان برتر است، نمی‌تواند فرزندان ویژه‌اش و استعدادهای برترش پنجاه هزار تا باشد. ما امکاناتمان، بضاعتمان و ظرفیت پذیرشمان محدود بوده است. پنجاه هزار تایش را تا حالا موفق شده‌ایم در این مدارس خودمان بیاوریم و تحت پوشش قرار بدهیم. بقیه این نیروها که در کشور وجود دارند، چه در شهرهایی که هیچ مدرسه‌ای تحت عنوان سمپاد نداریم و چه تهران به این بزرگی که خوب حالا ما تعدادی مدرسه هم داریم، ولی آیا می‌توانیم مدعی بشویم که همه استعدادهای برتر را تحت پوشش قرار داده‌ایم؛ حتی در همین چند تا رشته تحصیلی که شما دارید کار می‌کنید. من برداشت خودم این است که همه را

نتوانسته‌ایم تحت پوشش قرار بدهیم. سؤال این است که در قبال بقیه فرزندان این مرز و بوم که استعداد آنها از حد نرمال و حد متوسط بالاتر است، ما چه وظیفه‌ای عهده‌دار هستیم و سازمان سمپاد در این اثنا چه کاری را می‌تواند تقبل بکند؟ اینها گوشه‌هایی از مأموریت‌های جدید احتمالی هستند که شما کارشناسی رویش انجام می‌دهید، بررسی می‌فرمایید و اگر مورد توافق قرار گرفت، تصمیم‌سازی شد، در هیئت امناء آمد و مورد توافق قرار گرفت، ان‌شاءالله در کنار مأموریت‌های قبلی که در کارهای جاریتان به آنها پرداخته‌اید به آنها خواهید پرداخت. من راجع به وضع موجود و تلاش‌های خوبی هم که انجام داده‌اید نقطه‌نظراتی دارم که ان‌شاءالله در یک فرصت دیگری ما توفیق خواهیم داشت که با برنامه‌ای که شما تدارک می‌بینید، بتوانیم در خصوص وضع موجودمان هم با هم بیشتر صحبت بکنیم.

بعضی از نکاتی که در این اثنا اشاره شد - چه سه عزیزی که به نمایندگی از شما آمدند و محورهایی را مطرح کردند و پاسخ‌های خیلی روشنی برایش وجود دارد، و چه صحبت‌هایی که برادرمان جناب آقای دکتر اژه‌ای در قالب طنز با خنده و شادی مطرح کردند - نکات خیلی ظریفی هستند که ما باید به آنها بها بدهیم. ما واقعاً این استقلال که سازمان سمپادمان، استعدادها درخشانمان در قبال عوامل محیطی و دخالت‌های غیرمسئولانه تا حالا مقاومت کرده، من بعد هم باید مقاومت بکنند. این دیدگاه خود من هم هست. و حتی وقتی که برای محکومیت سازمان طراحی زیادی شده بود، حاج آقا اشاره فرمودند ما وظیفه خودمان دانستیم که از همکاران خودمان و از مدیران خودمان دفاع بکنیم و تا آخرین لحظه هم دفاع کردیم. و افتخار هم می‌کنیم که این وظیفه را و این خدمتگزاری را انجام دادیم. در آینده هم با روحیه‌ای هم که من از آقای دکتر اعتمادی در این مدت محدود کشف کردم و پی بردم، این استقلال حفظ خواهد شد و هیچ نگرانی از این بابت نباید داشته باشیم. یک خواهش کوچکی هم از همکاران خوب خودم داشته باشم. در همان مقطع زمانی هم می‌آمدند و می‌گفتند که از خود سمپاد هم این طور می‌گویند. شهادت علیه خودمان داشته‌اند می‌داده‌اند. ممکن است حربه‌ای بود که می‌خواستند ما را به جان هم بیندازند. ولی ما باید یکپارچه در جهت حفظ شأن سازمانمان، هویت سازمانیمان، دست‌آوردهای خوب سازمانی خودمان در صحنه باشیم و دشمن، کسانی که بدخواه هستند، کسانی که کم‌اطلاع هستند، نتوانند نفوذ بکنند و آن دست‌آوردهای اصیلی که در مجموعه وجود دارد را دچار نارسایی بکنند. این درخواستی است که پیرو فرمایشاتی که برادرمان جناب آقای دکتر اژه‌ای داشتند، من از حضرت عالی و همکاران هم دارم.

در ادامه جلسه متن زیر توسط سرکار خانم سلامت، مدیر مرکز فرزندانگان زینب شهری به نمایندگی از مراکز سمپاد شهرستان‌های تهران قرائت گردید.

### هو العزیز

قصه انشاء نداریم، عادت به توصیف کسی هم نکرده‌ایم. اهل شعر گویی و قلم فرسایی هم نیستیم. اما شاید بتوانیم حرفهای دل‌مان را که به چشم دیده‌ایم و در کار لمس کرده‌ایم به زبان بیاوریم:

جناب آقای دکتر اژه‌ای:

روحانی انقلابی، استاد فرهیخته و دلسوز انقلاب، بازمانده از سلف شیفتگان خدمت و نه تشنگان قدرت. از شما آموختیم:

- مدرسه جای کوچکی نیست و دانش آموز عنصر مهمی است. اگر می‌خواهیم پایه‌های علمی و فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی محکم شود، باید نگاهمان و تلاشمان متوجه این نهاد مستعد باشد. همان‌گونه که شما، ساعت‌ها پای دیدن دستاوردهای علمی دانش‌آموزان اول راهنمایی تا پایان دبیرستان می‌ایستادید و با نگاه تیزبین و نقادانه، آنها را مورد تفقد قرار می‌دادید و نامه‌های تک تک آنها را می‌خواندید و پاسخ می‌دادید.

- همه می‌فهمیدیم همه چیز برای قرآن است، آنجا که عاشقانه برای برپایی مسابقات قرآن اهتمام می‌ورزیدید و سخاوتمندانه هدیه فرزندان قرآنی را پس از دیدار مملو از مهربانی و رأفت به ایشان می‌دادید.

- یاد گرفتیم با تنفس در فضای مدرسه محوری می‌توان خلأها را تبدیل به توانایی نمود، تا جایی که حوض بی‌آب را پرآب و ماهرانه در آن شنا کرد.

- از شما آموختیم در مقابل زبردستان مسئولانه برخورد کنیم و تا وقتی غیرقانونی عمل نکرده‌ایم از فرادستان نه خوف داشته باشیم و نه چالپوسانه رفتار کنیم.

- وقتی تأکید مکرر شما در گوشمان طنین می‌افکند که برای خدا کار کنید و از او حساب ببرید، وقتی که حس می‌کردیم شما توقع تملق و تواضع از کسی ندارید، مطمئن می‌شدیم تا وقتی طبق قانون حرکت می‌کنیم، حتی در شرایط بحرانی سپر بالای ما می‌شوید و از حرمت‌ها دفاع می‌کنید.

- وقتی می‌دیدیم دلسوز نظام مقدس اسلامی هستید و با بصیرت و دانایی حافظ و مدافع خط سگانداز انقلاب (ولایت فقیه) می‌باشید، می‌آموختیم چگونه بی‌آن‌که گرفتار حماقت سیاسی



شویم و دین را جدای از سیاست بدانیم، در لجن‌زار بازی‌های سیاسی وارد نگردیم و مدرسه‌مان را از طوفان سیاسی بازی در امان داریم.

- با مدیریت رهبری محور خود آموزش دادید به جای غرق شدن در بخشنامه‌ها و کاغذبازی‌ها و جلساتی که فقط صورت جلسه‌اش مهم است، وقت‌گذاری برای شناخت دانش‌آموزان و رشد استعدادهای آنها داشته باشیم و هدف را فدای وسیله نکنیم.

- یاد گرفتیم کمتر در ددل کنیم و بیشتر کار، و اگر هم بر سر آن کار نبودیم دعاگوی کارگزاران جدید باشیم. چرا که نظام مقدس جمهوری اسلامی و کارآمدی آن از هر مسئله‌ای مهمتر است.

- به ما یاد دادید موفقیت‌ها را متعلق به نظام جمهوری اسلامی بدانیم و کل آموزش و پرورش، آنجا که اسامی دانش‌آموزان سمپاد، بدون عنوان سازمان مطرح می‌شد.

- در محضر شما آموختیم مدارس و دانش‌آموزان و حساب سمپاد سفره‌گسترده دنیا نیست تا برگردش بنشینیم و روزمرگی مان را لذت‌گردانیم، بلکه امانت استعدادهای انسانی کشور است، که مسئول رشد و نمو آن هستیم، آنجا که مکرر تأکید بر حفظ حق الناس داشتید و رعایت قانون بدون آن که سراغ ریالی را بگیرید. حتی یک بار.

- و از فرمایشات شما فرا گرفتیم، در وقت نماز، همه چیز و همه جا تعطیل و فقط نمازخانه و طنین الله اکبر و حضور در سجاده واجب و محترم.

- و آموختیم بی آن که ادای روشنفکرها را در آوریم، از تحجر و واماندگی دوری کنیم.  
- یاد گرفتیم چگونه تحمل باید کرد: درد تربیت دینی دانش‌آموزان را داشتن و در عین حال تهمت بی دین کردن آنها را شنیدن.

- چه نیک آموزش دادید عشق به پرورش استعداد فرزندان محروم و حفظ عزت و رعایت قانون در مقابل آنان که به خاطر تمکن مالی و مقامی، همواره مدعی هستند.

- دیدیم چگونه می‌توان با اخلاص یک تنه، درخت تنومندی را در مقابل طوفان حوادث برافراشت و رو به آسمان هدایت کرد.

- عبارت هوالمحوب سرمقاله‌ها تان در مجله استعدادها، همچون بسم الله الرحمن الرحيم غفلت‌ها را می‌زدود و فرصت‌های خدمت در سمپاد را یادآور می‌شد.

- اما بعد: مسئولیت شما کم شد و بی‌شک شما آسوده. اما ما ناآرام دریافت پاسخ یک سؤال و آن اینکه چگونه از تجارب ۲۱ ساله شما (که از بذرپاشی این محصول تاکنون در صحنه بوده‌اید) استفاده خواهد شد؟

- و یک آرزو داریم: ای کاش این سنت حسنه جاری می‌شد: به جای از دست دادن تجربه‌ها

کمک به رفع نواقص می‌کردیم (اگر دلیل جابجایی‌ها بهبود اوضاع است) و هنگام جابجایی‌ها، حرمت‌ها، کمی بیشتر حفظ می‌شد.

یادآور می‌شویم در زیارت وارث، حتی، حسین بن علی علیه السلام با همه عظمتش، وارث آدم(ع) و نوح(ع) و موسی(ع) و عیسی(ع) و محمد(ص) است.

نمایندگی مراکز سازمان سمپاد شهرستانهای استان تهران  
دی ۱۳۸۷

○ ○ ○  
دکتر امیرعباس فتاح‌زاده، دانش‌آموخته سمپاد و مدیر مسئول «هفته‌نامه سلامت»، سرمقاله آخرین شماره خود در دی‌ماه را به تجلیل از جناب آقای دکتر آژه‌ای اختصاص داد. این هفته‌نامه، یکی از پرتیراژترین هفته‌نامه‌های کشور و از مجموعه مؤسسه «ابن‌سینای بزرگ» است که تأسیس و ادامه فعالیت آن، به همت ایشان و تعداد قابل توجهی از دیگر دانش‌آموختگان مدارس سمپاد صورت گرفته است. متن سرمقاله هفته‌نامه «سلامت»، عیناً در ادامه درج می‌شود.

○ ○ ○

### تکریم مقام استاد

امروز می‌خواهم از مقام استادی تکریم کنم که می‌دانم کمتر نخبه و فرهیخته‌ای در ایران عزیزمان وجود دارد که نامش را نشنیده باشد.

در یکی از روزهای بهار ۱۳۶۶ دانش‌آموزی از مدرسه «علامه حلی تهران»، برای معاون نخست وزیر وقت دستاوردهای ساده خود را از پژوهش‌هایی که به اتفاق گروهش انجام داده بودند، ارائه می‌کرد.

برای اطلاع آن دسته از خوانندگان عزیزی که مدرسه «علامه حلی» را نمی‌شناسند، باید بگویم که علامه حلی یکی از مدارس «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» موسوم به «سمپاد» و امروز بی‌شک پرافتخارترین مدرسه در سراسر آسیاست. چه به تنهایی بیش از یک چهارم کل مدال‌های کسب شده در المپیادهای بین‌المللی توسط کشورمان، یعنی یک‌صد و بیست و سه مدال از جمع ۳۹۶ مدال کسب شده برای کل ایران و تعداد کثیری از رتبه‌های کنکور، را در طول تاریخ، دانش‌آموزان این مدرسه کسب کرده‌اند. این مدرسه با تربیت هزاران نخبه، استاد، مدیر، محقق و اندیشمند حق بزرگی برگردن دستاوردهای علمی کشور دارد. اما آن روزها هر لحظه بیم آن می‌رفت که «علامه حلی» منحل شود.

آن دانش آموز، من بودم که می ترسیدم مدرسه‌ای که به آن هنوز هم عشق می‌ورزم، تعطیل شود و آن معاون نخست وزیر هم کسی نبود جز حجت الاسلام والمسلمین استاد دکتر جواد اژه‌ای. او در نهایت تعجب همگان و علیرغم مشغله فراوانش، با کمال آرامش و دقت، ساعت‌ها به حرف‌های ساده من و سایر دانش آموزان گوش فرا داد، ما را راهنمایی کرد و مورد تشویق و دلگرمی قرار داد.

این شروع آشنایی من با او بود. و اکنون بیش از ۲۱ سال از آن زمان می‌گذرد. چند ماه بعد مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، ریاست سازمان را به عهده او گذاشت. و او بود که با حسن تدبیرش، نه تنها جلوی انحلال مدرسه علامه حلی را گرفت بلکه سنگ بنای گسترش سازمان جدید استعدادهای درخشان را در سراسر کشور گذارد.

شب تاسوعا مطلع شدم، در حالی که کمتر از چهار ماه به پایان دوره چهارساله ریاست وی بر «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» مانده بود، پس از ۲۱ سال بار امانت تولیت این سازمان از دوشش برداشته شد و به عزیز دیگری سپرده شد. امیدوارم سرپرست جدید نیز چون سلفش موفق باشد.

امروزه نه تنها من، بلکه بسیاری از بیش از ۵۰۰۰۰ دانش آموز شاغل به تحصیل و ۶۳۰۰۰ دانش آموخته سمپاد، بخش زیادی از هویت، آزادگی، پشتکار، اعتماد به نفس، خلاقیت، نوآوری و ظرفیت کارآفرینی خود را مرهون حضور و آموزش شاغل در مدارس سمپاد و برگرفته از روح حاکم بر آن می‌دانند. حفظ ثبات این فضا و دمیدن مداوم روح خلاقیت در آن شاهکار دکتر اژه‌ای بود. او طی دو دهه توانست مراکز آموزشی سمپاد را در ۶۶ شهرستان افتتاح و بزرگترین قدم را برای تحقق «عدالت اجتماعی» در میان نخبگان بردارد.

در آستانه سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی، اینجانب، دکتر جواد اژه‌ای را به عنوان یکی از مؤثرترین افراد در سه دهه گذشته در آموزش و پرورش کشور معرفی می‌کنم و با افتخار به دست او بوسه می‌زنم.

او یادگاری از شهید بزرگوار آیت‌الله دکتر بهشتی است. در این سال‌ها نه وارد دسته‌جات و گروه‌های سیاسی شد و نه به گروه‌های سیاسی، قدرتمندان و ثروتمندان باج داد. بیش از دو دهه به پشتوانه مقام معظم رهبری، فضایی را در مدارس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان در سراسر کشور گستراند و پاس داشت که برای حضور در آن، فرزند ضعیف و قوی، فقیر و غنی، کارگر و کارفرما به رقابتی عادلانه پرداختند و صرفاً در صورت شایستگی، آن هم به معنای واقعی کلمه، به آن دست می‌یافتند. او باوری را دامن زد که نخبگی حق ایجاد نمی‌کند بلکه مسئولیت‌زاست. او در این سال‌ها نه مال اندوخت، نه خود را مطرح کرد، نه دنبال کسب قدرت

رفت و نه مانند بسیاری به یارگیری پرداخت. او به راستی سنگ زیر آسپای آموزش و پرورش ایران در سه دهه گذشته بود. در این سال‌های طولانی، بی هیچ معامله و سهم خواهی و با توکل به خداوند متعال ایستاد و اجازه نداد عرصه مدارس سمپاد به فضای تاخت و تاز جریان‌های سیاسی و یارگیری گروه‌های مختلف تبدیل شود. اجازه نداد حق احدی از فرزندان این کشور برای تحصیل در مدارس سمپاد از بین برود.

صحبت از مردی است که بی هیچ ادعا و هیاهویی به تنهایی، بدون اتوبوسی از همراهان آمد و به تنهایی و در اوج عزت عرصه خدمت و بار امانت را به دیگری سپرد. اکنون به نمایندگی از بسیاری از دانش آموزان و فارغ التحصیلان فرهیخته سمپاد اعلام می‌کنم؛ استاد عزیز دوستت داریم. شأن والایت را تکریم می‌کنیم و از پروردگار متعال سلامت و طول عمر باعزتت را هر جا که هستی و هر جا که باشی، مسئلت می‌نماییم. نام تو همیشه در دل ما و آموزه‌هایت در زندگی ما باقی خواهد ماند.

بسمه تعالی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حجازی

با سلام و احترام

به منظور تجلیل از خدمات شایسته حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر اژه‌ای رئیس محترم سابق سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان مراسم تودیع ایشان همراه با مراسم معارفه جناب آقای دکتر اعتمادی رئیس محترم سازمان مذکور از ساعت ۱۴-۱۵/۳۰ روز دوشنبه مورخ ۸۷/۱۰/۳۰ در تهران - بزرگراه آفریقا - کوچه نیلوفر - ساختمان شهید بهشتی - شماره ۱۲ - سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان (سمپاد) برگزار می‌گردد. بدین وسیله از جناب عالی دعوت می‌شود در مراسم مذکور شرکت فرمایید.

علیرضا علی احمدی

● پیام جناب آقای حجازی:

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر علی احمدی وزیر محترم. بسیار مایل بودم علیرغم دأب همیشگی‌ام، در این مراسم شرکت کنم که متأسفانه توفیق ندارم اما بدین وسیله وظیفه خود می‌دانم از زحمات

مسئولانه، ارزشمند و مجاهدانه برادر گرامی جناب آقای دکتر اژه‌ای که با رویکردی متدینانه و ارزشمدارانه و انقلابی نزدیک به دو دهه از عمر با برکت خود را در تربیت نخبگان صرف کرده است سپاسگزاری کنم و همچنین برای خلف ایشان جناب آقای دکتر اعتمادی آرزوی موفقیت نمایم. موفق و مؤید باشید.

حجازی

### به نام خدا

#### دکتر جواد اژه‌ای

آدمهایی هستند که تأثیر وجودی‌شان بیش از یک انسان است. به ویژه که فعالیت آنها در زمینه انسان‌سازی و توسعه فکرافزایی و جنبش نرم‌افزایی باشد. یکی از بزرگانی که بلافاصله پس از انقلاب اسلامی، بدون هیاهو، مخلصانه و بی ادعا کارهای بزرگی را در کشور انجام داده است و نیروهای کیفی بسیار زیادی را در زمینه‌های گوناگون علمی تربیت کرده است، دکتر جواد اژه‌ای است. نام ایشان همیشه در صفحه تربیت علمی کشور ثبت خواهد گردید. دکتر اژه‌ای دهها و بلکه صدها نیروی فکری در حد خوب پرورش داده‌اند که در حال حاضر در برجسته‌ترین محافل علمی، دانشگاهها و مراکز پژوهشی می‌درخشند. بنده سالها شاهد بوده‌ام که ایشان آنطور دلسوزانه برای سمپاد (سازمان پرورش استعدادهای درخشان) کار می‌کردند که گویی تمام بچه‌های سمپاد فرزندان ایشان محسوب می‌شوند. این تعلق را من کمتر در مدیران فرهنگی و علمی کشور دیده‌ام. اما در دکتر اژه‌ای بسیار برجسته بود. من به سهم خود و به عنوان یک دانشجو از خدمات بنیادین ایشان صمیمانه قدردانی می‌کنم. گرچه ارج و اجر این‌گونه زحمات که باقیات و صالحات بزرگ علمی است، نزد خدای بزرگ است و بس ... و به تشکر امثال بنده نیازی نیست....

رضا پورحسین

رئیس شبکه ۴ سیما

۱۳۸۷/۱۰/۲۸

### بسمه تعالی

استاد فرزانه جناب آقای دکتر جواد اژه‌ای

سلام علیکم

به پاس زحمات خداپسندانه حضرت عالی در طول بیست و دو سال طلایه‌داری پرچم

پرافتخار سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان کشور و نتایج تحسین برانگیز آن در صحنه رقابت‌های دینی و علمی جهانی و تربیت فرزندان با عزم راسخ خود، هویت دینی، شرف ملی و اقتدار علمی میهن اسلامی را در عرصه‌های بین‌المللی به نمایش گذاشتند، بر خود فرض می‌دانیم این لوح تقدیر را تقدیمتان نمایم.

و همانگونه که از حضرت عالی آموخته‌ایم پاداش دهنده زحمات بی‌منت، خداوندگار جهانیان است. بی‌شک میهن اسلامی حضرت عالی را به عنوان چهره‌ای ماندگار در عرصه آموزش و پرورش برای همیشه به خاطر خواهد داشت. امید است، همواره در پرتو انوار متجلی اسلام عزیز و منویات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی در سنگر تعلیم و تربیت استوار و پایدار باشید.

محمدحسن دیلمی

نمایندگی استعدادهای درخشان استان گیلان

بسم الله الرحمن الرحيم

گلبنگ سربلندی برآسمان توان زد

برآستان جانان گرسر توان نهادی

با عرض سلام خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای:

خاطره تلاش برای ورود به مجموعه پرافتخار سمپاد، برای هر سمپادی، خاطره فراموش‌نشدنی است و این ورود که آغازی برای رشد و شکوفایی است، خود خاطره‌ای دیگر ...

و برای ادامه این مسیر نیز باید گفت: تو خود حدیث مفصل بخوان ...

خاطره ۲۱ سال خدمت بی‌شائبه به نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، نه برای جنابعالی، که برای تمام سمپاد و سمپادی‌های این نظام فراموش‌نشدنی است که چنین خدمتی کمتر از کسی در این راستا دیده شده است.

البته زمزمه‌های حذف جنابعالی از این مجموعه پرافتخار چندسالی بود که شنیده می‌شد، اما برای سمپادی‌ها یک شایعه و حتی پنداری دروغ می‌نمود ... که هیچ‌گاه در ذهنمان سمپاد بدون دکتر را نمی‌پرورانیم و حال در کمال تأسف آن را به عینه مشاهده می‌کنیم ...

و به راستی پشتیبان سمپاد و سمپادی‌ها، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) خود در جریان افتخارآفرینی‌های این مجموعه پرافتخار و پرورش عزیزانی چون ایمان افتخاری‌ها و

امیرخانی‌ها هستند. چنانکه می‌دانیم که اگر پشتیبانی و دفاع رهبر انقلاب از این مجموعه نبود، سمپاد را باید زودتر از این در موزه سیستم آموزشی کشور می‌یافتیم.

ما را رها کنید در این رنج بی‌حساب با قلب پاره پاره و با سینه‌ای کباب

آرزو داریم که اگر دکتر رفت (یا او را بالا جبار بردند ...)! سمپاد و سمپادی‌ها راه امام عزیزمان و رهبر فرزانه‌مان را همچنان ادامه دهند و این انقلاب را متصل به انقلاب حضرت مهدی (عج) کنند.

در پایان با کمال افتخار بر دست جنابعالی به پاس ۲۱ سال خدمت به اسلام، بوسه می‌زنیم و از شما بر اساس حدیث «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» تشکر و قدردانی نموده و در پایان برای شما در هر کجا که مشغول خدمت باشید آرزوی سلامتی و موفقیت را از خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم.

دانش‌آموزان و مسئولین مرکز آموزشی علامه حلی اراک

#### بسمه تعالی

معلم گرانقدر جناب آقای دکتر اژه‌ای

با تقدیم سلام بر خود فرض می‌دانیم از تلاش‌های خداپسندانه و ارزشمند حضرت عالی در احیای مراکز آموزشی استعدادهای درخشان کشور و تربیت نسلی که مفتخر به اهتزاز در آوردن پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران در عرصه رقابت‌های علمی و دینی جهانی گردیده‌اند تشکر و قدردانی نماییم.

ضمن ارج نهادن به سعی و تلاش حضرت عالی امیدواریم میهن اسلامی، همچنان از خدمات علمی حضرت عالی بهره‌مند گردد.

تلاش حضرت عالی رضی درگاه ذات اقدس احدیت باد!

آزادگان

نمایندگی سمپاد استان قم

#### باسمه تعالی

سرور ارجمند حضرت حجت الاسلام جناب آقای دکتر اژه‌ای

با سلام و تقدیم احترام و عرض ارادت، سال‌های پرفراز و نشیب و رنج طولانی بنانهان سنگ بنیاد و خون دلی که در استحکام پایه‌های آن با صد شوق و هزاران ذوق به امید صعود

فرزندان مستعد و توانمند این مرزوبوم به اوج قلّه عزّت و سعادت و افتخار بر ما رفت، هرگز فراموش نخواهیم کرد. و یگانه مردی را که در این وادی با صلابت و استواری و با تدبیر و درایت گام نهاد و همه مشکلات و موانع و کژی‌ها و کاستی‌ها را یکی پس از دیگری پشت سر نهاد و یک تنه، سینه خود را سپر بلای پیشگامان سمپاد نمود، همیشه در عمق خاطرات و اوج دل‌ها جاوید و ماندگار خواهد بود و اکنون که به تقدیر الهی و خواست خداوند بزرگ فرزندان خود را با ترک خواهید نمود، یقین بدانید که تلاش و کوشش مستمرتان در جهت تحقق اهداف و آرمانهای والای سازمان و توسعه آن در ابعاد مختلف علمی، اخلاقی و پژوهشی به بار نشسته است و شاهد درخشش فرزندان سمپاد در میادین متعدد علمی و تحقیقی و فناوری هستیم و یک یک مدال‌های افتخار را در المپیادها و جشنواره‌ها و ... بنام خود ثبت خواهند نمود. امیدواریم با عنایت و خواست خداوند تبارک و تعالی، نام پرافتخار آنان نیز در زمره خادمین به نظام مقدس جمهوری اسلامی و از وفاداران به آرمان شهداء و امام شهیدان و حامیان جان برکف ولایت ثبت و ضبط گردد و وجود مبارک شما را که از یاران و خاندان شهیدان هستید، همیشه سلامت و تندرست و شاداب بدارد و حال که خوشحال و سرفراز در انجام وظیفه موفق بودید در دو دنیا مأجور باشید. والله ولی التوفیق

مدیریت و کارکنان و انجمن اولیاء و مربیان  
مجتمع آموزشی شهید بهشتی سمنان

بسمه تعالی

هر که را بر سر زسودای وطن افسر بود هر کجا باشد تنی اهل وطن را سربود

استاد ارجمند جناب آقای دکتر اژه‌ای

بیش از دو دهه خدمات بی‌شائبه و خالصانه پدر سمپاد ایران را جز با نگاه عاشقانه تربیت شدگان این مکتب و دعای خیر همه فرهیختگان و فارغ‌التحصیلان این سازمان بدرقه نتوان کرد. اینکه که پس از بیست و یک سال خدمت بی‌منت، سمپاد را به خدای بزرگ می‌سپارید، مراتب تقدیر و تشکر قلبی خود را از دیار نامداران و نام آوران، خراسان شمالی، نثار باغبانی می‌کنیم که سالها با نثار قطره قطره نیروی جوانی و توان خود، نهالی را به باروری نشانده که تا سالیان سال میوه‌اش نخبه و دانشمند و فرزنانگانی ارزشمند و گرانقدر است.

سید محمد لنگری

نماینده‌گی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان  
خراسان شمالی



## هو العزیز الحکیم

جناب آقای دکتر اژه‌ای

سلام علیکم

خدمات شایسته، مدیریت توانمند و بینش وسیع جنابعالی در مجموعه سمپاد قابل تقدیر و ستایش می‌باشد.

توجه جدی حضرت‌عالی به مسائل آموزشی و تربیتی، بیانگر نگاه عمیق شما در خصوص پرورش دانشمندان و متخصصان متعهد برای جامعه اسلامی است. لذا در طول ۲۱ سال هدایت هوشمندانه شما در مدارس استعدادهای درخشان نتایج ثمربخشی در برداشته که می‌توان آثار آن را در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و جامعه مشاهده نمود. افسوس که سازمان سمپاد از وجود شما بی‌بهره می‌شود، لکن امیدواریم جامعه اسلامی و مراکز علمی کشور از توانمندی شما منتفع گردد.

سیدمجتبی سجادی

مدیر آموزشگاه راهنمایی علامه حلی (سمپاد)

اراک

باسمه تعالی

برادر ارجمند جناب آقای دکتر جواد اژه‌ای  
ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

سلام علیکم

با احترام، سربلندی هر کشور، بسته به همت کسانی است که صبورانه به ملت خویش عشق می‌ورزند و برای رشد فرهنگی و آبادانی آن گام برمی‌دارند. ایران اسلامی به داشتن فرزندان آگاه که با تلاش صادقانه برای نشر فرهنگ و انقلاب می‌کوشند افتخار می‌کند. بدینوسیله از همسویی، همدلی و همکاری ارزشمند جنابعالی در طول تصدی مسئولیت خطیر سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان صمیمانه تقدیر و تشکر نموده، امیدوارم در سایه الطاف لایزال الهی موفق و مؤید باشید. (ان شاء الله).

اعتصام

رئیس سازمان آموزش و پرورش

استان سیستان و بلوچستان

### هوالمحبوب

محضر مبارک پدر محترم سمیاد جناب آقای دکتر اژه‌ای «زَیْدَعَزَّة»

سلام علیکم

نهالی را که بیست و یک سال قبل غرس کردید، امروز درخت برومندی است که ثمراتش در سراسر این مملکت پهناور مشهود است و به بار نشستن این نهال نوپا و کسب عناوین مستمر دانش آموختگان این مکتب در میادین علمی بین‌المللی مایه مباهات هر ایرانی می‌باشد. این برکات تا همیشه تاریخ، یادآور نام و خاطره بزرگ مردی است که با تمامی کاستی‌ها و ناملايمات جهت اعتلای این سازمان از هیچ کوششی فروگذار نکرد. بی شک این خدمات و زحمات در پیشگاه حضرت حق سبحان بی‌مزد نخواهد بود. ما نیز زحمات خالصانه شما را ارج نهاده و برای حضرت تعالی سلامتی و توفیقات روزافزون آرزو مندیم.

کارکنان، دبیران و دانش آموزان دبیرستان استعدادهای درخشان

علامه حلّی جیرفت

به نام خدا

برادر بزرگوار جناب آقای دکتر اژه‌ای

با اهداء سلام و تحیات؛

اینجانب وظیفه خود می‌دانم از زحمات حضرت تعالی که در ابعاد گوناگون آموزشی، تربیتی و اداری در زمان تصدی خود در سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان در جهت نیل به هدفهای کلی سازمان و گسترش امر تعلیم و تربیت و نخبه پروری که از بذل هرگونه همکاری و مساعدت مضایقه نفرموده‌اید صمیمانه‌ترین حق شناسی‌ها را ابراز دارم و از کوششهای بی دریغ و شبانه روزی حضرت تعالی تقدیر و تشکر نمایم از خداوند منان از اینکه مرا در مسیر خدمت با برادری خدوم، دلسوز و بنیان‌گذار سازمان استعدادهای درخشان آشنا نمود تا درس خدمتگزاری صبر و فداکاری را بیاموزم سپاسگزارم. هر چند شنیدن خدا حافظی حضرت تعالی از سازمان برایم ناگوار بود و به وضوح این خلاء را در

سازمان حس کردم و می‌کنم اما برای جنابعالی که خیلی دوستتان دارم توفیق روزافزون در خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و انجاح تمنیات مقام معظم رهبری آرزو دارم.

با تشکر

علی اکبر صادقیان

ساری

### بسمه تعالی

آن سفر کرده که صد قافله دل همزه اوست هر کجا هست، خدایا به سلامت دارش

پدر عزیزم

حقیقتاً که دلم برای کلام شیرینت تنگ شده است.

دلم برای صدای دلنشینت که سرشار از امید و آرزو بود تنگ شده است. دیدار با تو چقدر کوتاه بود. عشق به فرزندان میهن را در دلم کاشتی و رهایم کردی و رفتی. با همه ناملایمات از تو یاد گرفتیم که سخت کار کنیم چرا که به حضور و وجود تکیه گاه محکمی چون تو امیدوار بودم. فکر می‌کنم با عشق و علاقه‌ای که در من نسبت به سمپاد و فرزندان‌ش ایجاد کردی چگونه رهاکنم و اگر رها نکنم بی شما چگونه ادامه دهم. کودک ۵ ساله‌ات (فرزانگان سیرجان) تازه راه رفتن را یاد گرفته است. بی شما چه کنم!!!

شاید من را فردی ناپخته بخوانید اما غصه سنگینی بر دلم نشسته است من حالا به که دردم را

بگویم.

به خدایت می‌سپارم

خداوند مثل همیشه یار و یاورتان باشد

فرزند کوچکت مدیر فرزنانگان سیرجان مریم تیموری

### به نام خدا

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای

از اینکه جمع سمپاد را ترک گفتید احساس خیلی بدی پیدا کردیم بدون تعارف می‌گویم زیرا هر وقت شما را می‌دیدم به یاد شهید بهشتی می‌افتادیم، درایت، تدبیر و قاطعیت شما مثل شهید بهشتی بود همان احساسی که بعد از شهادت دکتر بهشتی به ما دست داد که حالا انقلاب چه می‌شود؟ الان به ما دست داده که بعد از شما سمپاد به کجا کشیده می‌شود؟ آیا به ارزشها و عقاید

مذهبی هنوز به همان شکل قبلی در این مراکز اهمیت می‌دهند یا نه؟  
آیا مشکلات سمپاد حل شدنی است یا خیر؟ شما که با این قاطعیت پیگیر کارها بودید  
نتوانستید دید و نگاه خیلی‌ها را تغییر دهید؟ انشاء... که دکتر اعتمادی اهداف شما را ادامه دهند و  
بتوانند موفق باشند. ما برای شما آرزوی موفقیت و طول عمر داریم و دوست داریم سمپاد را کلاً  
رها نکنید این نهال ۲۰ ساله که محصول نظام جمهوری اسلامی است به شما نیاز دارد. به همسر و  
فرزندان عزیزتان که یادگاران شهید بهشتی هستند سلام ما را برسانید با امید موفقیت و آرزوی  
سلامت شما.  
یکی از مدیران سمپاد

لله حق

جناب آقای دکتر اژه‌ای  
با سلام و آرزوی سلامتی شما و خانواده

چند روزی است که از ماجرای پیش آمده بین شما و آموزش و پرورش با خبر شده‌ام. خیلی  
خیلی از اینکه اینطور قدر ناشناسانه با شما تا کرده‌اند متأسف شدم. بیش از آن راستش متأسف  
هستم به حال شاگرد لبو فروش‌هایی که دیگر همین یک شانس داشتن تحصیلات خوب را هم از  
دست می‌دهند. یکی اش خود من. اگر بنا به پدر پولداری یا سفارش و این چیزها بود من هرگز  
نمی‌توانستم چنین تحصیلاتی داشته باشم و اصلاً صد سال پای من به سمپاد و غیره نمی‌رسید.  
حیف است که این چیزها را بعضی‌ها درک نمی‌کنند. متأسفانه سیل سفارشی‌ها و پسرخاله‌ها و  
تازه به دوران رسیده‌ها همه عرصه‌ها را دارد درمی‌نوردد و من خود دل پر دردی دارم از برخورد  
هر روز با این جماعت. اما باز امیدوارم نسلی که شما تربیت کردید جبران اینها را بکند و انشاء..  
بذری که کاشته‌اید به میوه بنشیند. به قول شاعر:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل      زین تغابن که حریف می‌شکند بازارش

اگر چه از سفلگی سفلگان و گولی دوستان دل آدم خون می‌شود، ولی دست کم دل‌مان روشن  
است که جماعت سمپادی حتی اگر قدر زحمات شما را هم ندانند، اینقدر هست که ارزش آن را  
درک می‌کنند.

به امید دیدار هر چه زودتر، مخلص و ارادتمند حقیقی

محسن بی پروا

لندن - ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹

استعدادهای درخشان ۶۸ / یک تودیع و ... / ۴۴۰